

استشهاد الرسول یعقوب و نجات الرسول بطرس

¹ وَفِي ذَلِكَ الْوَقْتِ مَدَّ هِيرُودُسُ الْمَلِكُ يَدَيْهِ لِيُسَيِّءَ إِلَى أَنْتَاسِ مِنَ الْكَنِيسَةِ، فَقَتَلَ يَعْقُوبَ، أَخَا يُوحَنَّا، بِالسَّيْفِ. ² وَإِذْ رَأَى أَنَّ ذَلِكَ يُرْضِي الْيَهُودَ عَادَ فَقَبَضَ عَلَى بُطْرُسَ أَيْضًا، وَكَاتَبَ أَيَّامَ الْقَطِيرِ. ³ وَلَمَّا أَمْسَكَهُ وَضَعَهُ فِي السَّجْنِ مُسَلِّمًا إِيَّاهُ إِلَى أَرْبَعَةِ أَزَابِعٍ مِنَ الْعَسْكَرِ لِيَحْرُسُوهُ تَابِئًا أَنْ يُقَدِّمَهُ بَعْدَ الْفِصْحِ إِلَى الشَّعْبِ. ⁴ فَكَانَ بُطْرُسُ مَحْرُوسًا فِي السَّجْنِ، وَأَمَّا الْكَنِيسَةُ فَكَانَتْ تَصِيرُ مِنْهَا صَلَاةٌ يَلْجَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَجْلِهِ.

⁵ وَلَمَّا كَانَ هِيرُودُسُ مُزْمِعًا أَنْ يُقَدِّمَهُ كَانَ بُطْرُسُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ تَائِمًا بَيْنَ عَسْكَرَيْنِ مَرْبُوطًا بِسِلْسِلَتَيْنِ، وَكَانَ قُدَّامَ الْبَابِ خُرَّاسٌ يَحْرُسُونَ السَّجْنَ. ⁶ وَإِذَا مَلَاكُ الرَّبِّ أَقْبَلَ وَنُورٌ أَضَاءَ فِي الْبَيْتِ، فَصَرَبَ جَنْبَ بُطْرُسَ وَأَبْقَطَهُ قَائِلًا: قُمْ عَاجِلًا، فَسَقَطَتِ السِّلْسِلَتَانِ مِنْ يَدَيْهِ. ⁷ وَقَالَ لَهُ الْمَلَاكُ: تَمْنِطُوقِ وَالْبَسِ ثِيَابَكَ، فَقَعَلَ هَكَذَا. ⁸ فَقَالَ لَهُ: الْبَسِ رِدَاءَكَ وَاتَّبِعْنِي. ⁹ فَخَرَجَ يَتْبَعُهُ، وَكَانَ لَا يَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي جَرَى يَوَاسِطُهُ الْمَلَاكُ هُوَ حَقِيقِيٌّ بَلْ يَطْلُبُ أَنَّهُ يَنْطُرُ رُؤْيَا. ¹⁰ فَجَارَا الْمَحْرَسَ الْأَوَّلَ وَالثَّانِي وَآتَا إِلَى بَابِ الْحَدِيدِ الَّذِي يُؤَدِّي إِلَى الْمَدِينَةِ فَانْفَتَحَ لَهُمَا مِنْ دُونِهِ فَخَرَجَا وَتَقَدَّمَا رُقَاقًا وَاجِدًا وَلِلْوَقْتِ قَارِقُهُ الْمَلَاكُ.

¹¹ فَقَالَ بُطْرُسُ، وَهُوَ قَدْ رَجَعَ إِلَى تَفْسِيهِ: الْآنَ عِلِمْتُ يَقِينًا أَنَّ الرَّبَّ أَرْسَلَ مَلَكَهُ وَأَنْقَذَنِي مِنْ يَدِ هِيرُودُسَ وَمِنْ كُلِّ انْتِظَارِ شَعْبِ الْيَهُودِ. ¹² ثُمَّ جَاءَ وَهُوَ مُتَّيِّبٌ إِلَى بَيْتِ مَرْيَمَ، أُمِّ يُوحَنَّا الْمَلْقَبِ مَرْفُوسَ، حَيْثُ كَانَ كَثِيرُونَ مُجْتَمِعِينَ وَهُمْ يُصَلُّونَ. ¹³ فَلَمَّا قَرَعَ بُطْرُسُ بَابَ الدَّهْلِيِزِ جَاءَتْ جَارِيَةٌ، اسْمُهَا رُودَا، لَتَسْمَعَ. ¹⁴ فَلَمَّا عَرَفَتْ صَوْتَ بُطْرُسَ لَمْ تَفْتَحِ الْبَابَ مِنَ الْفَرَحِ بَلْ رَكَضَتْ إِلَى دَاخِلٍ وَأَخْبَرَتْ أَنَّ بُطْرُسَ وَافِقٌ قُدَّامَ الْبَابِ. ¹⁵ فَقَالُوا لَهَا: أَنْتِ تَهْذِبنَ. وَأَمَّا هِيَ فَكَانَتْ تُؤَكِّدُ أَنَّ هَكَذَا هُوَ، فَقَالُوا: إِنَّهُ مَلَاكُهُ. ¹⁶ وَأَمَّا بُطْرُسُ فَلَبِثَ يَقْرَعُ، فَلَمَّا فَتَحُوا وَرَأَوْهُ انْدَهَشُوا. ¹⁷ فَاسْتَأْذَنُوا مِنْهُمْ يَدِيهِ لِيَسْكُنُوا وَحَدَّثَهُمْ كَيْفَ أَخْرَجَهُ الرَّبُّ مِنَ السَّجْنِ، وَقَالَ: أَحْبِرُوا يَعْقُوبَ وَالْإِخْوَةَ بِهِذَا، ثُمَّ خَرَجَ وَذَهَبَ إِلَى مَوْضِعٍ آخَرَ.

موت هيرودس السلاعية

¹⁸ فَلَمَّا صَارَ النَّهَارُ خَصَلَ اضْطِرَابٌ لَيْسَ بِقَلِيلٍ بَيْنَ

کشتن یعقوب و بازداشت بطرس

¹ و در آن زمان هیرودیس پادشاه، دست تناول بر بعضی از کلیسا دراز کرد ² و یعقوب، برادر یوحنا، را به شمشیر کشت. ³ و چون دید که یهود را پسند افتاد، بر آن افزوده، بطرس را نیز گرفتار کرد و ایام فطیر بود. ⁴ پس او را گرفته، در زندان انداخت و به چهار دسته رباعی سپاهیان سپرد که او را نگاهبانی کنند و اراده داشت که بعد از فصیح او را برای قوم بیرون آورد. ⁵ پس بطرس را در زندان نگاه می‌داشتند. اما کلیسا بجهت او نزد خدا پیوسته دعا می‌کردند.

⁶ و در شبی که هیرودیس قصد بیرون آوردن وی داشت، بطرس به دو زنجیر بسته، در میان دو سپاهی خفته بود و کشیک چنان نزد در زندان را نگاهبانی می‌کردند. ⁷ ناگاه فرشته خداوند نزد وی حاضر شد و روشنی در آن خانه درخشید. پس به پهلوی بطرس زده، او را بیدار نمود و گفت: بزودی برخیز. که در ساعت زنجیرها از دستش فرو ریخت. ⁸ و فرشته وی را گفت: کمر خود را ببند و نعلین بپوش. پس چنین کرد و به وی گفت، ردای خود را بپوش و از عقب من بیا. ⁹ پس بیرون شده، از عقب او روانه گردید و ندانست که آنچه از فرشته روی نمود حقیقی است بلکه گمان برد که خواب می‌بیند. ¹⁰ پس از قراولان اول و دوم گذشته، به دروازه آهنی که به سوی شهر می‌رود رسیدند و آن خود بخود پیش روی ایشان باز شد؛ و از آن بیرون رفته، تا آخر یک کوچه برفتند که در ساعت فرشته از او غایب شد.

¹¹ آنگاه بطرس، به خود آمده گفت: اکنون به تحقیق دانستم که خداوند فرشته خود را فرستاده، مرا از دست هیرودیس و از تمامی انتظار قوم یهود رها کرد. ¹² چون این را دریافت، به خانه مریم، مادر یوحنا، ملقب به مرقس، آمد و در آنجا بسیار جمع شده، دعا می‌کردند. ¹³ چون او در خانه را کوبید، کنیزی رودا نام آمد تا بفهمد. ¹⁴ چون آواز بطرس را شناخت، از خوشی در را باز نکرده، به اندرون شتافته، خبر داد که بطرس به درگاه ایستاده است. ¹⁵ وی را گفتند: دیوانهای! و چون تأکید کرد که چنین است، گفتند: که فرشته او باشد. ¹⁶ اما بطرس پیوسته در را می‌کوبید. پس در را گشوده، او را دیدند و در حیرت افتادند. ¹⁷ اما او به دست خود به سوی ایشان اشاره کرد که

خاموش باشند و بیان نمود که چگونه خدا او را از زندان خلاصی داد و گفت: یعقوب و سایر برادران را از این امور مطلع سازید. پس بیرون شده، به جای دیگر رفت.

¹⁸ و چون روز شد اضطرابی عظیم در سپاهیان افتاد که پطرس را چه شد. ¹⁹ و هیرودیس چون او را طلبیده نیافت، کشیک چنان را بازخواست نموده، فرمود تا ایشان را به قتل رسانند؛ و خود از یهودیه به قیصریه کوچ کرده، در آنجا اقامت نمود.

درگذشت هیرودیس

²⁰ اما هیرودیس با اهل صور و صیدون خشنماک شد. پس ایشان به یکدل نزد او حاضر شدند و بلائیس ناظر خوابگاه پادشاه را با خود متحد ساخته، طلب مصالحه کردند زیرا که دیار ایشان از ملک پادشاه معیشت می‌یافت. ²¹ و در روزی معین، هیرودیس لباس ملوکانه در بر کرد و بر مسند حکومت نشست، ایشان را خطاب می‌کرد. ²² و خلق ندا می‌کردند: که آواز خداست نه آواز انسان. ²³ که در ساعت فرشته خداوند او را زد زیرا که خدا را تمجید ننمود و کرم او را خورد که بمرد. ²⁴ اما کلام خدا نمو کرده، ترقی یافت. ²⁵ و برنابا و شاول چون آن خدمت را به انجام رسانیدند، از اورشلیم مراجعت کردند و یوحنا ملقب به مرقس را همراه خود بردند.

الْعَسْكَرُ: تُرَى مَاذَا جَرَى لِبَطْرُسَ؟ ¹⁹ وَأَمَّا هِيرُودُسُ فَلَمَّا طَلَبَهُ وَلَمْ يَجِدْهُ فَحَصَّ الْخُرَّاسَ وَأَمَرَ أَنْ يَنْقَادُوا إِلَى الْقَتْلِ، ثُمَّ تَرَلَّ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ إِلَى قَيْصَرِيَّةَ وَأَقَامَ هُنَاكَ. ²⁰ وَكَانَ هِيرُودُسُ سَاخِطًا عَلَى الصُّورِيِّينَ وَالصَّيْدَاوِيِّينَ فَحَصَرُوا إِلَيْهِ يَتَفَسَّ وَاحِدَةً وَاسْتَعْطَفُوا بِلَا سُنُسٍ، النَّاطِرَ عَلَى مَصْجِعِ الْمَلِكِ، ثُمَّ صَارُوا يَلْتَمِسُونَ الْمُصَالَحَةَ لِأَنَّ كُورَتَهُمْ تَقْنَأُ مِنْ كُورَةِ الْمَلِكِ. ²¹ فَفِي يَوْمٍ مُعَيَّنٍ لَيْسَ هِيرُودُسُ الْحَلَّةَ الْمُلُوكِيَّةَ وَجَلَسَ عَلَى كُرْسِيِّ الْمَلِكِ وَجَعَلَ يُخَاطِبُهُمْ. ²² فَصَرَخَ الشَّعْبُ: هَذَا صَوْتُ إِلَهٍ لَا صَوْتُ إِنْسَانٍ. ²³ فَفِي الْحَالِ صَرَبَهُ مَلَائِكَةُ الرَّبِّ لِأَنَّهُ لَمْ يُعْطِ الْمَجْدَ لِلَّهِ، فَصَارَ يَأْكُلُهُ الدُّودُ وَمَاتَ. ²⁴ وَأَمَّا كَلِمَةُ اللَّهِ فَكَانَتْ تَنْمُو وَتَزِيدُ. ²⁵ وَرَجَعَ بَرْنَابَا وَشَاوُلُ مِنَ أُورُشَلِيمَ بَعْدَ مَا كَمَّلَا الْخِدْمَةَ وَأَخَذَا مَعَهُمَا يُوحَنَّا الْمُلَقَّبَ مَرْقُسَ.